

مقاله پژوهشی

مفهوم باغ در اسناد شیراز دوره قاجار: تحلیلی واژگانی*

علی اسدپور**

گروه مطالعات معماری ایران، دانشکده معماری و مرمت، دانشگاه هنر شیراز، ایران

تاریخ دریافت: ۱۴۰۵/۰۲/۲۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۴/۲۱ تاریخ قرارگیری روی سایت: ۱۴۰۵/۰۷/۰۱

چکیده ویژگی‌های تاریخی، ادراکی، زیباشناختی و اقلیمی باغ ایرانی محور بسیاری از پژوهش‌ها بوده است ولی همچنان ساخت واژگانی و شیوه سازمان یافتن باغ ایرانی در زبان منابع تاریخی، کمتر مطالعه شده است؛ این در حالی است که زبان‌شناسی منابع تاریخی، از جمله اسناد تاریخی، می‌تواند ابعاد تازه‌ای از باغ ایرانی را آشکار کند. هدف پژوهش کنونی استخراج ساخت مفهومی باغ در زبان اسناد روزمره شیراز دوره قاجار است. فرضیه پژوهش آن است که مفهوم باغ در آن دوره، پدیده‌ای ساختمند، غیرمصادقی و حاصل شبکه‌ای از واژگان است که باغ را از خلال روابط میان اجزا و مستقل از کیفیت هر جزء فهم می‌کرده است. بنابراین، پرسش این است که چه روابطی میان واژگان مرتبط با مقوله باغ در اسناد قاجاری شیراز برقرار است؟ و این روابط چگونه به مثابه یک ساختار واحد سازمان می‌یابند؟ روش پژوهش کیفی و مبتنی بر واژگان‌شناسی و زبان‌شناسی ساخت‌گرا است. در مجموع ۳۲ سند از آرشیو سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران و آرشیو دنیای زنان در عصر قاجار که شرحی از اجزای باغ در خود داشته‌اند، به عنوان اسناد منتخب، تحلیل شده‌اند. با مطالعه روابط معنایی موجود میان این دسته از واژگان در هر سند، ساختی از باغ آن گونه که در اسناد نمود دارد، پیشنهاد شده است. یافته‌ها نشان می‌دهند که ساخت باغ در اسناد مورد مطالعه دو جزء پایه به نام «عرصه» و «شجار» دارد و بر روابط چندگانه میان «زمین» و «درختان» استوار است. ساخت باغ از طریق شبکه مسیرها (خیابان و راسمان)، سامانه آب (مجرى، ممر و مدخل) و عناصر تحدیدکننده فضا (جدارن، حیطان، درب و درگاه) سازمان می‌یابد که در مجموع «ساخت مفهومی باغ» نامیده شده است. این ساخت حاصل روابط هم‌نشینی، تقابل‌های معنایی و باهم‌آیی‌های میان واژگانی است که اجزای سازنده باغ در اسناد به شمار می‌روند؛ اجزایی که هیچ‌یک در ساخت باغ بر دیگری برتری ندارند. ابعاد کمی باغ، شکل کالبدی آن، ارزش‌های مبادله‌ای و توصیف‌های زیباشناختی در این ساخت جایی ندارند. از این‌رو، باغ در اسناد قاجاری به ساختی خودسامان بدل می‌شود که با نگرش‌های معمارانه یا زیبایی‌شناسانه امروزی تفاوت‌هایی دارد.

واژگان کلیدی | زبان‌شناسی ساخت‌گرا، معنی‌شناسی واژگانی، باغ ایرانی، اسناد قاجاری، شیراز

ایرانی در این است که می‌توان به جای بررسی مصداق‌های عینی باغ، به مطالعه روابط معنایی واژگان آن پرداخت و بر پایه آن، ساختار مفهومی باغ را در قالب نظامی از مقوله-واژگان^۱ بازسازی کرد. مطالعاتی از این دست نیازمند روش‌هایی هستند که می‌توانند ذیل واژگان‌شناسی و زبان‌شناسی ساخت‌گرا تعریف شوند. با این حال، پژوهش‌هایی که تاکنون در حوزه واژگان‌شناسی باغ ایرانی انجام شده بیشتر رویکردی لغت‌نامه‌ای داشته‌اند؛ این دسته از مطالعات کمتر به شبکه روابط واژگانی سازنده باغ پرداخته‌اند.

هدف پژوهش کنونی تبیین ساخت مفهومی باغ در مجموعه‌ای از

مقدمه | باغ ایرانی بیشتر اوقات از خلال توصیف‌های تاریخی و ادبی، گزارش‌های جهانگردان فرنگی، داده‌های باستان‌شناسی، و تحلیل‌های نظری یا زیبایی‌شناختی مطالعه شده است. این پژوهش‌ها شناخت متنوع و چندگانه‌ای از باغ ایرانی به ارمغان آورده‌اند، ولی شیوه مقوله‌بندی باغ در زبان منابع و اسناد تاریخی کمتر موضوع بررسی آن‌ها بوده است. مزیت استفاده از مفاهیم زبان‌شناسی در مطالعه اسناد تاریخی مرتبط با باغ

* این اثر تحت حمایت مادی بنیاد ملی علم ایران (INSF)، برگرفته‌شده از طرح شماره «۴۰۴۵۳۷۳»، انجام شده است.

** نویسنده مسئول: ۰۰۹۱۷۳۰۶۱۸۲۸@shirazartu.ac.ir asadpour

نیز در «ارشاد الزراعة» به عناصر معماری باغ اشاره داشته و پژوهشگران بسیاری باهدف بازسازی طرح یک باغ مطلوب، از آن استفاده کرده‌اند (Jamaledin, 2015; Subtelny, 2002; Akhlaghi Sharif & Jayhani, 2025). نمونه دیگر، بررسی نسخه فارسی «بیاض خوش‌بویی» (۱۰۳۷-۱۰۴۷ ق.) به دست بیلی (Bailey, 1997) است که فاقد تعاریف فنی معماری است ولی افزون‌بر برخی واژه‌های ارشاد الزراعة، به اجزای باغ و برخی اندازه‌ها نیز اشاره دارد.

بخش دیگری از پژوهش‌های این دسته به بازیابی شکل باغ‌های تاریخی ایران در ادبیات پرداخته‌اند. به‌عنوان نمونه، جیحانی (Jayhani, 2016) در هفت‌پیکر نظامی توانسته برخی اجزای باغ موسوم به خواجه را شناسایی و روابط فضایی آن‌ها را در شکل نهایی باغ معین کند. فرزین (Farzin, 2014) نیز در مطالعه ابیات شاهنامه، تناظری میان اجزای باغ، بوستان و گلستان با شکل شهر برقرار کرده است. افزون‌بر این، عبدی‌بیگ شیرازی (۹۸۸-۹۲۱ ق.) در اشعارش تأکید زیادی بر خیابان باغ دارد و از بخش‌های معماری باغ‌های شاه‌طهماسب در قزوین نیز به‌دقت یاد کرده که پژوهشگران از آن برای بازنمایی آن باغ‌ها بهره‌ها برده‌اند (Alehashemi, 2012; Jayhani & Rezaepour, 2017, 59-90; Yarahmadi, et al., 2018). به‌طورکلی، اغلب پژوهش‌های انجام‌شده، از متن برای شناخت کالبد باغ استفاده کرده‌اند، به باغ‌های رسمی توجه کرده‌اند و باغ‌های مردم عادی موضوع آن‌ها نبوده است. حتی نوشته‌های پیرنیا (۱۳۸۶، ۴۲۵-۴۵۹) در زمینه باغ ایرانی نیز ضمن تنوعی که در بردن نام اجزای باغ دارد، در همین دسته جای می‌گیرد. باوجود مطالعات گوناگون هنوز پژوهشی که با تکیه بر اسناد روزمره و با تمرکز بر روابط معنایی و واژگانی میان اجزای باغ، به بازسازی مفهوم باغ در زبان اسناد پردازد، انجام نشده است.

روش پژوهش

راهبرد این پژوهش، کیفی و مبتنی بر تحلیل ساخت‌گرایانه واژگان در اسناد تاریخی است. از این‌رو، شناسایی واژگان مرتبط با باغ و تحلیل روابط میان آن‌ها در متن اسناد، محور اصلی مطالعه است. برای این کار، نخست، واژگان مرتبط با باغ از اسناد تاریخی استخراج شدند؛ سپس کاربردها و دلالت‌های هر واژگان در بافت اسناد بررسی و روابط میان آن‌ها شناسایی شد؛ در مرحله بعدی، شبکه روابط موجود مشخص شد و درنهایت، براساس این شبکه، ساخت مفهومی باغ بازسازی و تبیین شد. اسناد این مطالعه در آرشیو سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران [اسکام] و آرشیو دنیای زنان در عصر قاجار (Women's Worlds in Qājār Iran Archive [WWQIA]) با کلیدواژه‌های باغ، بوستان و باغچه با قید زمانی قاجاریان جستجو شدند.

درمجموع ۳۲ سند، مرتبط با اهداف و موضوع پژوهش، تشخیص

اسناد مردمی شیراز دوره قاجار است. این اسناد محصول مرادوات روزمره و عادی مردم هستند و پژوهشگران تاریخ معماری اغلب به‌دلیل دشواری‌های سندخوانی، سختی‌های دسترسی به اسناد و فقدان مصداق عینی و بیرونی برای هر سند، از مطالعه آن‌ها صرف‌نظر کرده‌اند. از آنجاکه اجزای باغ در این اسناد با آنچه اجزای معماری باغ خوانده می‌شود کاملاً یکسان نیستند، همین تمایز، بر دانش کنونی پژوهشگران از مفهوم باغ نزد مردم دوره قاجار می‌افزاید. فرضیه پژوهش این است که سخنگویان قاجاری تعریفی شبکه‌ای و ساختمند از باغ در ذهن داشته‌اند که در قالب یک ساخت قابل تبیین است. پرسش‌ها کلیدی بدین شرح‌اند: الف) مجموعه واژگان معرف باغ در اسناد مردمی شیراز روزگار قاجار کدام‌اند و چه روابطی میان آن‌ها برقرار است؟ ب) اجزای سازنده ساخت مفهومی باغ در اسناد مورد مطالعه چه مواردی هستند؟ و ج) این ساخت مفهومی چه معرفت تازه‌ای از باغ در ذهنیت مردم روزگار قاجار عرضه می‌کند؟

پیشینه پژوهش

هر پژوهشی که به باغ ایرانی پرداخته باشد ناگزیر به برخی از اجزای آن نیز اشاره دارد، ولی مطالعاتی هستند که بیش از دیگران متوجه جزئیات واژه‌شناختی بوده‌اند. آن‌ها را می‌توان به دو گروه بخش کرد: دسته نخست مواردی هستند که به حوزه معنایی^۲ باغ می‌پردازند؛ یعنی واژه‌هایی را بررسی کرده‌اند که مفهومشان یک یا چند وجه مشترک دارند و با یکدیگر ارتباط معنایی دارند. به این ترتیب، حوزه معنایی باغ را می‌توان با شماری واژه مترادف در هر حوزه مطالعه کرد. به‌عنوان نمونه، براتی (Barati, 2005) در مطالعه‌ای، اسامی و صفات متعددی را برای اشاره به مفهوم فضای سبز و باغ برشمرده و شماری از موارد مبهم را با رجوع به لغت‌نامه‌ها تشریح کرده است. شاهچراغی (Shahcheraghi, 2012, 92-97) نیز یک دسته‌بندی از واژه‌های مترادف و مرتبط با باغ و فضای سبز تهیه کرده است. در مرتبه‌ای دیگر، عالمی (Alemi, 1994/2013) در راستای شناخت انواع و اشکال باغ ایرانی، چندین واژه از حوزه معنایی باغ را انتخاب و اجزای برخی را نیز شرح داده است.

دسته دوم، مطالعاتی هستند که از متون تاریخی، ادبی و کشاورزی برای بازسازی اجزا یا کالبد باغ استفاده می‌کنند. نمونه‌های این دسته در دو گروه قابل تقسیم هستند؛ بخشی از پژوهش‌های این دسته در خلال بررسی کتاب‌های تاریخی کشاورزی و زراعت، واژه‌هایی را نیز به دست داده‌اند. به‌عنوان نمونه، پژوهشگران با بررسی «مفاتیح الارزاق» که در ۱۲۷۰ ق. به دست محمدیوسف نوری از مستوفیان فارس نگاشته شده، به نه‌ها و بنای ورودی و کوشک اشاره کرده‌اند و شکل باغ و نحوه کاشت و آرایش گیاهان را نیز بررسی کرده‌اند (Jamal.al.din, 2018). قاسم بن یوسف ابونصر هروی (۹۲۱ ق.) (Haravi, 1977, 280-284)

داده شدند. انتخاب اسناد بر مبنای حضور داده‌های زبانی مرتبط با مقوله باغ بوده و نوع سند اهمیتی نداشته است. قدیمی‌ترین سند، مربوط به ۱۲۴۲ ق. و جدیدترین آن متعلق به ۱۳۴۳ ق. است؛ ولی بیشترین آن‌ها (۲۶ مورد) به ۱۳۰۰ ق. و بعد از آن تعلق دارند. اسناد شامل مباحثه‌نامه‌ها، اجاره‌نامه‌ها، مصالحه‌نامه‌ها هستند و یک وکالت‌نامه و دو عریضه نیز در این میان وجود دارد. تصویر ۱ نمونه‌ای از اسناد مورد مطالعه را نشان می‌دهد، علامت قرمز رنگ اضافه شده به هر سند، نشانگر آغاز بخشی است که به اجزای باغ اشاره دارد. بازنویسی متن این قسمت‌ها در کنار هر سند آورده شده است، بنابراین از تکرار آن خودداری می‌شود. در این پژوهش از گرایش‌های تاریخی-فقه‌الغوی^۳ در معنی‌شناسی واژگانی که به دگرگونی‌های واژگان در طی زمان می‌پردازد، اجتناب شده است تا بتوان فرایند پژوهش را همچنان در چارچوب نظری تفکر ساخت‌گرا حفظ کرد.

چارچوب نظری پژوهش

منظور از «مفهوم باغ» در این پژوهش، بازنمود زبانی آن در اسناد تاریخی است. از آنجاکه مفهوم در سطح روابط میان واژگان شکل می‌گیرد، درک مناسبات میان واژگان ارزش مطالعه و بررسی می‌یابد. حرکت از معنی واژه به سمت مطالعه واژگان در همین چارچوب معنا می‌یابد؛ واژه^۴، شکلی در گفتار یا نوشتار است ولی واژگان^۵ به مجموعه اطلاعاتی درباره زبان گفته می‌شود که در اختیار سخنگویان قرار دارد؛ واژگان‌شناسی، امکان شناسایی، بررسی و مطالعه این واحدها برای درک شیوه‌های سامان یافتن اطلاعات درون واژگان و شناخت روابط واژگانی را فراهم می‌آورد (گندمکار، ۱۳۹۹، ۳۶۲ و ۳۶۳). به دلیل معنی‌دار بودن واژگان، شناخت معنی در این حالت، دیگر به بافت موقعیتی و دانش پیش‌زمینه‌ای سخنگویان زبان نیازی ندارد و از آنجاکه اسناد تاریخی واجد دانش درون‌زبانی هستند، معنی‌شناسی واژگانی تنها با اتکا بر دلالت درون‌زبانی، امکان مطالعه رابطه معنایی واحدهای زبان را در اسناد تاریخی فراهم می‌آورد (Safavi, 2021, 57 see). بنابراین، مفهوم باغ نیز می‌تواند همچون یک نظام معنایی مطالعه شود؛ چنین نظامی در سنت ساخت‌گرایی، ساخت نامیده می‌شود.

ساخت بنا به تعریف، نظامی از عناصر و واحدها است که از درون و در ارتباط با یکدیگر شکل می‌گیرد (Matthews, 2001/2023, 296). فردینان دو سوسور (۱۸۵۷-۱۹۱۳) (de Saussure, 1983/2024)، پایه‌گذار زبان‌شناسی ساخت‌گرا، بر این باور بود که زبان و دیگر دلالت‌های فرهنگی را می‌توان در قالب واحدهای زبانی کمابیش خودمختار و خودسامان، مستقل از کاربران و فارغ از تغییر تاریخی، تنها براساس روابط تباینی مطالعه کرد. این ساختار خطی که واحدها را بر محورهای هم‌نشینی^۶ و متداعی^۷ (جان‌نشینی)^۸ جای می‌دهد بر وجه افتراقی^۹ میان واحدهای زبان متکی است و شبکه‌ای را شکل می‌بخشد که ساخت یک نظام

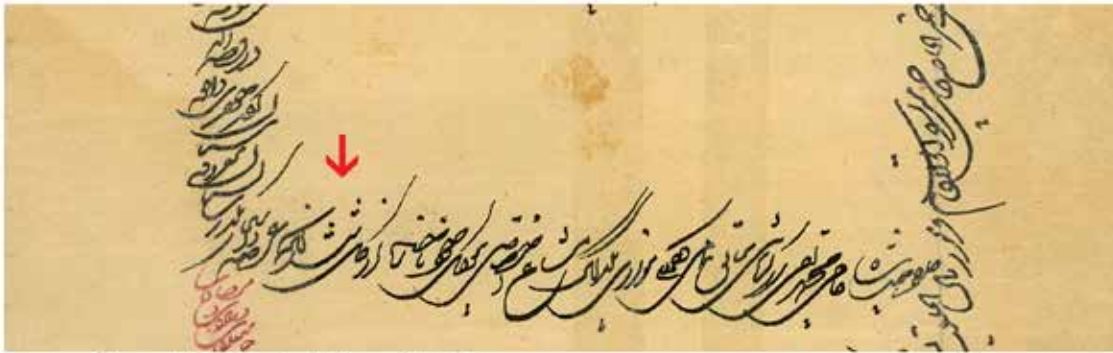
خوانده می‌شود. معنی‌شناسی ساخت‌گرا با الهام از همین تعبیر شکل گرفت و معنی را در قالب یک نظام با تأکید بر جنبه هم‌زمانی^{۱۰} مطالعه کرد. تعیین رابطه درونی واحدهای زبانی در هر حوزه واژگانی، الگویی برای توصیف محتوای واژه‌ها شد و شناخت ابزارهای زبانی (همچون هم‌معنایی، تقابل/ تضاد معنایی، شمول معنایی^{۱۱}، جزءواژگی^{۱۲} و مانند آن) به رویکرد رابطه‌ای در معنی‌شناسی منتهی شد؛ رویکردی که به بسط مجموعه‌ای از روابط معنایی از طریق توصیف روابط تقابلی میان واحدها می‌پردازد (گندمکار، ۱۴۰۱، ۲۰۹-۲۶۴).

بنابراین ساخت مفهوم باغ به معنی نحوه چینش و سازمان یافتن واژگان مرتبط با مقوله باغ در نظام زبان اسناد مورد مطالعه خواهد بود. عناصر این نظام به صورت خطی و بر محورهای هم‌نشینی و متداعی جای می‌گیرند؛ از دیدگاه ساخت‌گرایانه، ارزش هر واحد یا واژگان از مقوله باغ در روابطی که با دیگر واحدهای این حوزه برقرار می‌کند، تعیین می‌شود. تکرار این روابط در اسناد، بخشی از شیوه سازمان یافتن باغ در ذهنیت سخنگویان دوره قاجار را آشکار می‌کند و از این‌رو می‌تواند مبنایی برای بازسازی مفهوم باغ تلقی شود. در این نگرش، اقلام زبانی باغ به هم وابسته می‌شوند و ارزش هر کدامشان منوط به بررسی سایر اقلام می‌شود. به این ترتیب، در خصوص باغ نیز همچون زبان می‌توان، به تعبیر هارلند (Harland, 1987/2016, 28)، نوعی نظام معنا-مقوله‌ای را متصور شد که جامعه از نسلی به نسل دیگر منتقل کرده و آن‌چنان به شکل یک کل، هم‌پسته شده‌اند که فهم هر جزء بدون توجه به جایگاه آن در کل نظام ممکن نیست.

یافته‌های پژوهش

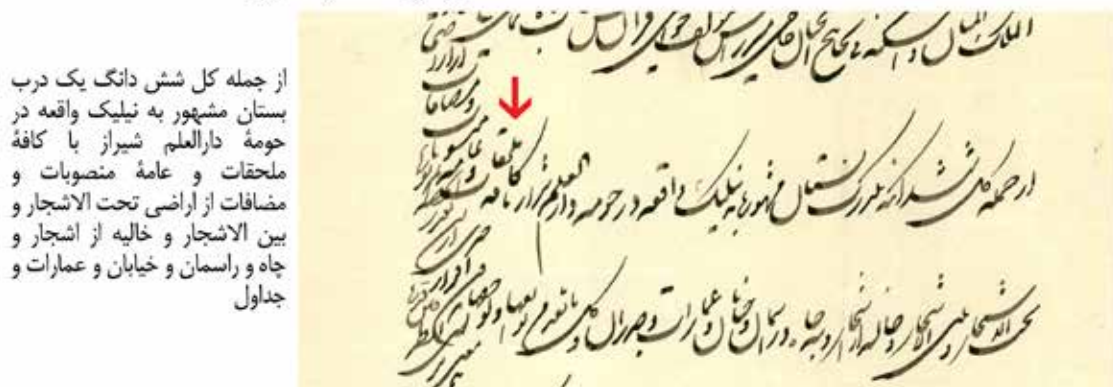
• اقلام حوزه معنایی باغ در اسناد

تحلیل واژگان مرتبط با باغ نشان می‌دهد که مقوله باغ در اسناد مورد مطالعه از یک هسته مفهومی (بستان)، چند صورت واژگانی و زیرمقوله (باغچه و نارنجستان) تشکیل شده است. «بستان» در اغلب موارد به صورت هم‌معنا و جانشین باغ به کار رفته است، در حالی که «باغچه» و «نارنجستان»، زیرمقوله‌های متمایز آن را شکل می‌دهند. تمایز میان این زیرمقوله‌ها بر مؤلفه‌هایی چون اندازه، نوع درختان و کارکرد استوار است. روابط چندگانه‌ای میان لفظ باغ با دیگر زیرمقوله‌های آن برقرار است. رابطه نخست، «شمول معنایی» است؛ هرچند در اصل، باغ واژه شامل^{۱۳} است که مفهوم آن، مفهوم واژه‌های زیرشمول^{۱۴} (بستان، باغچه، و نارنجستان) را در بر می‌گیرد. ولی در اسناد، بستان عملاً جانشین واژه باغ شده و در اغلب موارد بدون تغییر معنایی نیز به کار رفته است. شواهد این اسناد از هم‌معنایی کارکردی باغ و بستان در زبان حقوقی دوره قاجار حکایت دارد. به این ترتیب، بستان که در اصل مکان رستنی‌های خوشبو است و در لغت



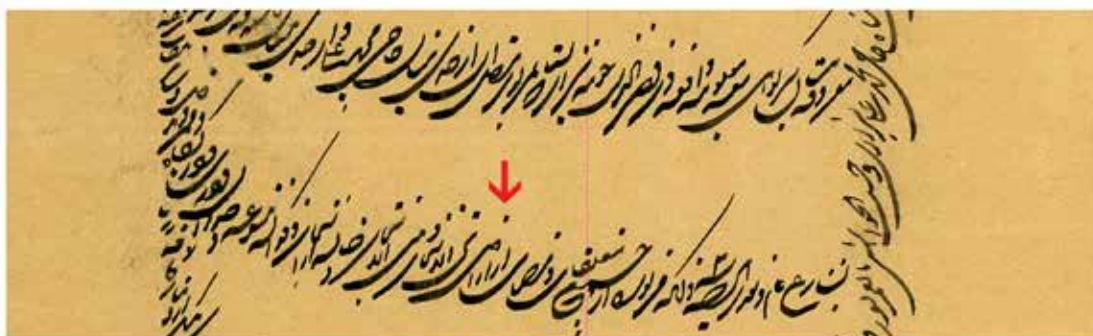
ساکیما (۱۲۶۰)

یک دانگ مشاع اختصاصی از کل شش دانگ عرصه و اشجار یک درب بستان معروفه به بستان گود جعفری واقع در قصرالدشت حومه شیراز



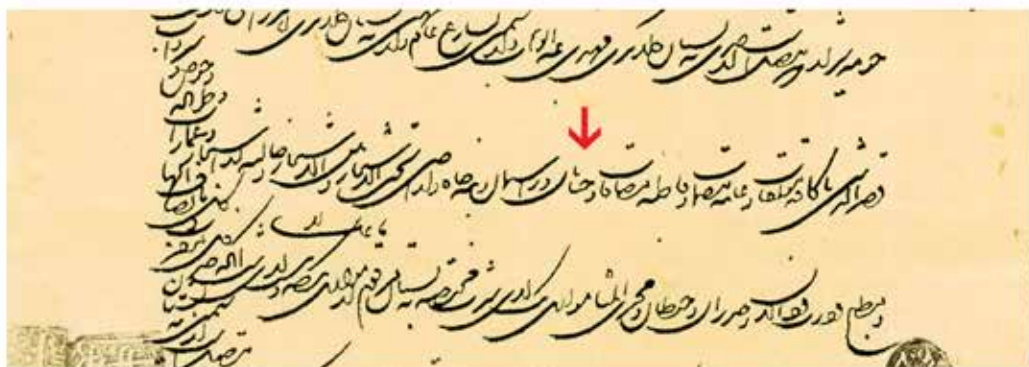
ساکیما (۱۲۶۱)

از جمله کل شش دانگ یک درب بستان مشهور به نیلیک واقع در حومه دارالعلم شیراز با کافه ملحقات و عامه منصوبات و مضافات از اراضی تحت الاشجار و بین الاشجار و خالیه از اشجار و چاه و راسمان و خیابان و عمارات و جدول



ساکیما (۱۲۸۱)

و به قدر الحصة سه دانگ مزبور از جمیع متعلقات و منضمات از اراضی تحت الاشجار و بین الاشجار و خالیه از اشجار و فواکه متنوعه و جُدران و درب و درگاه و مَمَر و مدخل و سایر منضمات



ساکیما (۱۲۶۴)

با کافه متعلقات و عامه منضمات و قاطبه مضافات و خیابان و راسمان و چاه و اراضی تحت الاشجار و بین الاشجار و خالیه از اشجار و عمارات و طولیله و حوض و سرداب و مطبخ و درب و دالان و جُدران و حیطان و مجری المیاه

تصویر ۱. تصویری از اسناد مورد مطالعه. مأخذ: ساکیما، ۱۲۶۰، ۱۲۶۴، ۱۲۸۱، ۱۲۹۱.

آن را توسعاً باغ خوانده‌اند (Dehkhoda, 1998, Vol. 3, 4742) با توسیع معنایی توانسته متناسب با شمرزبانی سخنگویان، هم‌معنای باغ شود؛ اسناد نشان می‌دهد تنها در وکالت‌نامه حاجی رضای بقال به همسر و پسرش، لفظ «باغ» را می‌توان دید (Women's Worlds in Qājār Iran Archive [WWQIA], 1925) و در تمامی موارد از بستان - بدون احساس تغییر در معنی زنجیره کلام - استفاده شده است.

واژه دیگر، «باغچه» است که وجه افتراق آن با باغ، وسعت است. در مبایعه‌نامه‌ای از ۱۳۲۳ ق. به «یک باب بستان صغیر واقع در سمت شمال شیراز، قریب به شهر، مسمی به باغچه نیلیک» اشاره شده است (ساکما، ۱۲۸۴). اسناد دیگر به «باغچه جلوی بهاربنده»، بیرون دروازه قصاب‌خانه، (WWQI, 1907) یا شماری از باغچه‌های بیرون برزن باغشاه در ۱۳۴۳ ق. (ibid., 1924) اشاره دارند. معنای تحت‌اللفظی نارنجستان جایی است که در آن درختان نارنج و دیگر مرکبات به عمل می‌آورند؛ در شرح یک «نارنجستان» واقع در محله لب‌آب در ۱۰ ربیع‌الاول ۱۳۰۸ ق. آمده: مشتمل بر «شش باغچه مشجره به اشجار نارنج و چنار و غیره» (ساکما، ۱۲۶۸). نارنجستان اگرچه در سطح واژگانی ذیل مقوله باغ قرار می‌گیرد، ولی این سند نشان می‌دهد که در برخی موارد در مرز میان دو حوزه مفهومی باغ و خانه قرار دارد. بنابراین، وجه افتراق سه واژه حوزه معنایی مقوله باغ، بر دو بخش است؛ بخش نخست آن وسعت و اندازه است که برحسب آن تمیز میان هر لفظ میسر و بخش دیگر آن، به مؤلفه معنایی هر واژه باز می‌شود که به نوع و کارکرد هر لفظ بستگی دارد. برای نامیدن واژه‌های زیرشمار از «درب» استفاده شده است. مانند: «یک درب بستان مشهور به کریم لوطی» بیرون دروازه باغشاه (WWQI, 1921) یا «یک درب بستان، موسوم به شهاب‌آباد، متعلق به اسفندیارخان» (ibid., 1916) یا «یک درب بستان، معروف به حاجی عبدالحسین، قریب سر دو راه قصرالدشت» (ibid., 1930). درب واژه‌ای عربی است که بر وجه کلان و فراخ آستانه تأکید دارد (Dehkhoda, 1998, Vol. 7, 10545). ولی درب تنها واحد برای شمارش اقلام حوزه معنایی باغ نیست، بلکه در موارد معدودی از «قطعه» به جای درب نیز استفاده شده است. معنای تحت‌اللفظی قطعه، تکه، پاره و حصه از چیزی (Dehkhoda, 1998, Vol. 11, 17641) است و از قضا در مبایعه «سه‌ربع مشاع از کل شش‌دانگ یک قطعه بستان موسوم به انارکی واقع در قریه قصرالدشت حومه شیراز» در ۱۲۶۶ ق. به قطعه اشاره شده است (ساکما، ۱۲۲۸). کاربرد مکرر «درب» نشان می‌دهد که باغ در زبان اسناد یک واحد مستقل تلقی می‌شده است؛ واحدی که قابلیت شمارش، تملک و انتقال به باغ یا بستان می‌بخشیده است.

• بازسازی مفهوم باغ بر پایه روابط واژگانی

واژه‌های مرتبط با اجزای باغ در شبکه‌ای از ارتباطات معنایی

باهم قرار دارند که بازسازی آن، امکان استخراج یک ساخت مفهومی از باغ را فراهم می‌آورد. بررسی اسناد مورد مطالعه نشان می‌دهد که در کلی‌ترین حالت، متعلقات یک بستان فارغ از وسعت آن، «عرصه»^{۱۵} و «اشجار» است. به‌عنوان نمونه، سند فروش یک‌دانگ از باغ موسوم به «گود جعفری» در قصرالدشت (۱۲۹۹ ق.)، بستان را شامل «عرصه» و «اشجار» خوانده است (همان، ۱۲۶۰). ادامه همان سند نشان می‌دهد که این باغ فاقد عمارت بوده است. هرچند به‌طور معمول، عرصه نقطه مقابل اعیان است ولی در مقوله باغ، عرصه و اشجار دو جزء اصلی باغ و نه مقابل هم هستند. این امر می‌تواند مبنایی برای پرداختن به دیگر متعلقات باغ تلقی شود به نحوی که هریک از اجزاء در نسبت با آن‌ها و با یکدیگر تعریف شوند. در این اسناد زمین بخشی از عرصه است و از این پس مجموعه‌ای از روابط منطقی در نسبت زمین با درختان شکل می‌گیرد که اغلب همچون یک کلیشه آورده می‌شوند؛ «راضی تحت الاشجار، بین الاشجار، و خالی از اشجار»، سه‌گانه‌ای است که با کمی تغییر در لفظ و ترتیب و گاهی حذف یکی از آن‌ها رابطه زمین، و نه عرصه، را با درختان آشکار می‌سازد (همان، ۱۱۹۷، ۱۲۶۴، ۱۲۶۵، ۱۲۸۱، ۱۲۸۲). باین‌حال، عرصه محدود به این‌ها نیست و زمین‌های بدون درخت نیز تا زمانی که امکان کاشت درخت را داشته باشند در نسبت با درختان هستند؛ این‌ها همان زمین‌هایی آماده کاشت هستند.

اغلب بعد از کلیشه یادشده، به «خیابان» و «راسمان» در عرصه اشاره می‌شود (همان، ۱۲۶۴، ۱۲۹۱). این‌ها سامانه دسترسی در باغ هستند که دوگانه دیگری را در مفهوم باغ می‌سازند. خیابان به رسته‌ای برای عبور و مرور در باغ، راه ساخته‌شده (اغلب در میان دو صف درختان باغ) و گذرگاهی میان باغچه‌ها و درختان به طول و عرض باغ تعبیر شده است (Dehkhoda, 1998, Vol. 7, 10173)؛ راهی هموار در باغ‌ها و کشتزارها برای رفت‌وآمد (Anvari, 2002, Vol. 4, 2920). این موضوع در اسناد نیز صادق است. به‌عنوان نمونه، در انتهای ذکر متعلقات بستانی در قصرالدشت موضح ۱۹ شعبان ۱۲۳۴ ق. آمده: «و خیابان که اشجار چنار و سفیددار در آن مفروش است» (ساکما، ۱۱۹۷). ولی در این اسناد به‌ندرت به نوع درختان اشاره می‌شود؛ مگر هنگامی که تأکید بر مالکیت آن ضرورت داشته، مانند اشاره به درختان «سرو، بیدمشک و سنجد و غیره» در حاشیه همان سند که در سمت صبوی جدول بستان قرار و مالکی دیگر داشته است.

درک ماهیت واقعی خیابان در رابطه‌ای که با راسمان دارد میسر است. راسمان را در واژه‌نامه‌ها نمی‌توان یافت^{۱۶} ولی «راس» به معنی راه است؛ پس راسمان می‌تواند اسم فاعل و به معنی مسیرهایی شبیه به راه باشد. در اسناد این پژوهش، خیابان و راسمان باهم‌آیی^{۱۷} دارند؛ یعنی هم‌نشین یکدیگرند و با یکدیگر

واقع می‌شوند. آشکار است که خیابان گذرگاه هموار کمابیش از پیش ساخته‌شده‌ای در باغ است که به قصد رفت‌وآمد مهیا شده است ولی شواهد موجود، این احتمال را تقویت می‌کند که راسمان به مسیرهای غیررسمی‌تر و کمتر از پیش تعیین‌شده اشاره داشته باشد. بنابراین، هرچند هر دو در مؤلفه عبور و مرور باهم مشترک‌اند ولی از پیش سنجیده‌شدگی، مشخصه ممیز آن‌هاست. برای اینکه این استدلال قوت گیرد می‌بایست به دیگر دو گانه‌های موجود و باهم‌آیی آن‌ها نیز اشاره داشت.

از اجزای دیگر عرصه در اسناد، سامانه آب‌رسانی باغ است: «مَمَر» و «مدخل» و «مَجری» (ساکما، ۱۲۶۴، ۱۲۸۱، ۱۲۸۴؛ WWQI, 1914).

این واژه‌های عربی گاهی به‌سادگی همراه با چاه یا بدون آن در اسناد دیده می‌شوند. هرچند ترتیب آن‌ها الگوی ثابتی ندارد ولی کمابیش به همان ترتیب ذکر می‌شوند؛ نمونه‌هایی متمایز از آن ترتیب، سندی از ۲۴ رمضان ۱۲۹۷ ق. است که در آن به «مَمَر و چاه» اشاره شده (ساکما، ۱۲۵۸) و یا در سندی از ۱۳۳۱ ق. تنها چاه آورده شده است (همان، ۱۲۹۱) ولی لفظ چاه چندان پُرکاربرد نیست. تمایز مَمَر و مَجری یادآور تمایز خیابان و راسمان است؛ مَمَر به معنی جای گذشتن و موضع مرور، گذرگاه، راه و معبر است (Dehkhoda, 1998, Vol. 14, 21530) درحالی‌که مَجری در معنی اختصاصی خود جای جریان آب خوانده می‌شود (ibid., Vol. 13, 20311). به‌عنوان نمونه، در مبایعه‌نامهٔ بستانی موسوم به گل‌ریزی (۱ محرم ۱۳۰۳ ق.) در قصرالدشت افزون‌بر مَمَر چاه به «مَجری المیاه شرب مختصهٔ باغ از جدول قنات» نیز اشاره شده است (ساکما، ۱۲۶۴). بنابراین مَجری و مَمَر هر دو بستر عبور چیزی هستند. از این نظر با یکدیگر هم‌معنایی دارند، ولی مَجری موضع روان‌شدن است درحالی‌که مَمَر مطلق موضع عبور است.

ازسویی دیگر، سند یادشده به‌وضوح نشان می‌دهد که مَجری، انشعابی از آب جدول قنات است که چه‌بسا از باغی به باغ دیگر می‌رفته است؛ بنابراین دیگران می‌توانستند از آن حق ارتفاق داشته باشند، درحالی‌که مَمَر بیشتر به موضع روان‌شدن آب در خود بستان اشاره دارد که مختص هر باغ است و دیگران در آن حقی ندارند. مشخصهٔ ممیز این دو در همین حقوق. نیز مستتر است. ازسوی دیگر به نظر می‌رسد همان نسبیتی که میان خیابان و راسمان دیده شد، بین مَجری و مَمَر هم وجود داشته باشد؛ اولی از پیش سنجیده شده است ولی دومی حسب نیاز و طی زمان شکل گرفته‌اند. واژهٔ دیگر در این سامانه، مدخل است که می‌تواند به دو شکل خوانده شود؛ مدخل به معنی جای درآمدن و موضع داخل‌شدن، روزن و راه، یا مدخل به معنی جای درآوردن و داخل گردانیدن است (Dehkhoda, 1998, Vol. 13, 20535). از آنجاکه تمامی این واژه‌ها به سامانهٔ آب‌رسانی بستان تعلق دارند. به نظر می‌رسد هم مدخل و هم مدخل بسته به بافت سند می‌تواند درست

باشد. مدخل آب می‌تواند از چاه باشد یا مدخل آن از قنات یا از هر دو.

دو گانه‌های موجود در واژگان باغ شامل واژه‌های دیگری نیز هستند. از آنجاکه هر بستان محوطهٔ دیوار کشیده یا محصور است که عرصه و اشجار را در بر می‌گیرد؛ بنابراین، «جُدران» و «حیطان» و «درب» و «درگاه»، متعلقات دیگر باغ به شمار می‌روند. تمامی این اقلام در رابطهٔ جزء و اُزگی نسبت به هم بوده و نوعی رابطهٔ سلسله‌مراتبی کل به جزء دارند. ولی رابطهٔ جُدران و حیطان از نوع دیگری نیز هست. جُدران جمع جُدر یا جدار به معنی دیوار یا هر چیز شبیه به آن است (Dehkhoda, 1998, Vol. 5, 7551; Anvari, 2002, Vol. 3, 2107).

هرچند در اسناد این دو واژه اغلب به‌عنوان جفت‌های مجاور^{۱۸} دیده می‌شوند ولی در رابطهٔ متداعی باهم نیز قرار دارد؛ حیطان جمع حائط و آن‌هم به معنی دیوار است (Dehkhoda, 1998, Vol. 6, 9253) ولی میان این دو افتراقی وجود دارد؛ حیطان، دیوارهای بیرونی است که حدود را تعیین می‌کنند؛ درحالی‌که جُدران، مطلق دیوار و اغلب دیوارهای داخلی است که دو فضا را از هم جدا می‌کند. درحالی‌که انتظار می‌رود در صورت لزوم فقط لفظ حیطان به‌تنهای در اسناد ظاهر شود، ولی در اسناد مبایعهٔ بستان «گل‌ریزی» (۱۳۰۳ ق.) و بستانی در قصرالدشت (۱۲۳۴ ق.) (ساکما، ۱۱۹۷) لفظ جُدران به‌تنهایی ذکر شده است (همان، ۱۲۶۴)؛ دلیل این است که جدار هر بستان عرصه‌های باغ‌های هم‌جوار را از یکدیگر جدا می‌کند، پس دو فضا را تفکیک می‌کند و درعین‌حال مطلق دیوار هم هست؛ از همین‌روست که در اسناد مبایعهٔ بستان «سرکوهی» (۱۳۲۱ ق.) (همان، ۱۲۸۱ الف) و بستان «نیلیک» (۱۳۳۱ ق.) (همان، ۱۲۹۱) و بستان «فائد» (۱۳۲۲ ق.) (همان، ۱۲۸۱) به‌جای حیطان تنها به جُدران اشاره شده است. رابطهٔ درب و درگاه جزء و اُزگی است. هر دو نیز جزئی از حیطان و در کل بخشی از جُدران هر بستان هستند. به‌این ترتیب، حصار بستان و اجزای آن در اسناد بر پایهٔ نسبت و رابطه‌ای که باهم دارند، معنا می‌یابند.

تا اینجا مقولهٔ باغ به‌مثابهٔ اجزای یک ساخت با واژگانی که هریک در رابطه‌ای با دیگری قرار دارند، شناخته شد. ولی برخی بستان‌ها جزئیات بیشتری دارند؛ که حسب مورد، متعلقات هریک در اسناد برشمرده می‌شوند؛ در سند بستان گل‌ریزی که پیش‌تر یاد شد، به «عمارات و طویله و حوض سرداب و مطبخ و درب و دالان»، مابین اشاره به زمین‌های خالی از درختان، جُدران، حیطان و مَجری آب اشاره شده است که نشان می‌دهد برخی از باغ‌ها بناهای مفصلی داشته‌اند. این درحالی‌که است که در پارهٔ دیگری از اسناد تنها به «عمارات» (ساکما، ۱۲۹۱) یا «عمارات محدثه در بستان» (همان، ۱۲۶۵) یا «عمارات محروسه» (WWQI, 1930) و یا تنها به «عمارات و اعیان» (ibid., 1914) بسنده شده است. عدم توجه به اجزای اعیانی بستان یا ذکر مختصر عمارت(های) آن،

هسته معنایی سازمان یافته است (جدول ۱): اراضی، مسیرها، سامانه و حدود محصورکننده. هریک از این هسته‌ها از طریق مجموعه‌ای از روابط تقابلی و هم‌نشینی با یکدیگر پیوند می‌یابند و درمجموع ساخت مفهومی باغ را شکل می‌دهند. بررسی شیوه چینش واژگان مرتبط با باغ در اسناد نشان می‌دهد که رابطه‌ای کمابیش زنجیره‌ای - که انعطاف کافی برای تطبیق با ذوق کاتبان و موضوع معامله را داشته - میان آن‌ها وجود دارد. صوری‌سازی روابط و شرح تقدم و تأخر این متعلقات، مفهوم باغ را در اسناد آشکار می‌کند (تصویر ۲). این ساخت بر پایه دانش درون‌زبانی سخنگویان استخراج شده است؛ بررسی مفهوم واژگان به همراه رابطه معنایی آن‌ها با یکدیگر قواعدی از ترکیب میان آن‌ها را آشکار می‌کند که نشان می‌دهد گزینش هر لفظ از میان گنجینه زبانی، حاصل انتخابی هوشمندانه از اطلس زبانی باغ بوده است. آن گونه که از اسناد مورد مطالعه برمی‌آید دو رکن «عرصه» و «اشجار» شاکله باغ را تشکیل می‌دهند؛ عرصه شامل زمین و هر آن چیزی است که در آن قرار دارد ولی هم‌زمان نقطه مقابل «اعیان» نیز هست - که در باغ‌ها امری حاشیه‌ای به شمار می‌روند. بنابراین در اسناد مورد مطالعه کمتر به جزئیات آن اشاره شده است. عرصه شامل دو جزء کلی است: «اراضی» و «راه» (فضاهایی برای گذر آب و عبور افراد). اراضی در نسبت با درختان تعریف می‌شوند و مهم‌ترین بخش عرصه باغ هستند؛ چراکه این نسبت‌های میان زمین و اشجار است که در اسناد با تفصیل

به واسطه اهمیت کمتری است که آن‌ها نسبت به عرصه باغ نزد ذی‌نفعان دارند. عملاً در این واژگان رابطه‌ای از جنس روابط میان واژگان اصلی معرف باغ وجود ندارد و نقش آن‌ها بیشتر برشمردن جزئیات مورد معامله است.

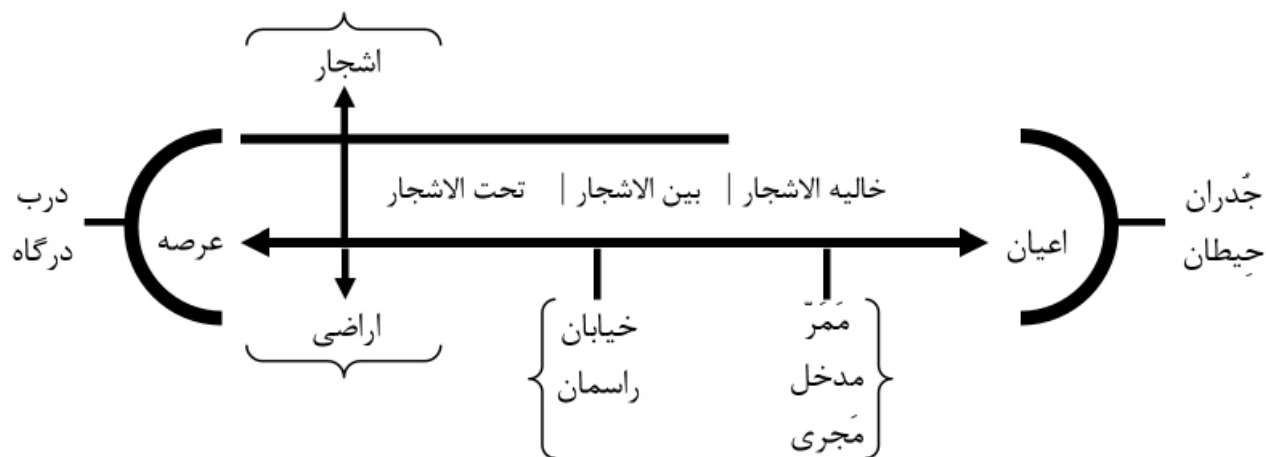
پیش‌تر گفته شد که «نارنجستان» بین دو حوزه معنایی خانه و باغ مشترک است. شاهد این مدعا اصول حاکم بر برشماری متعلقات نارنجستان است که پیرو شیوه مرسوم در اسناد مرتبط با خانه است تا باغ. در سند فروش بخشی از «عرصه و اعیان طرف معروف به نارنجستان واقع در محله لب آب» با حیدرعلی خان وکیل دولت انگلیس در ۱۳۰۸ ق. آمده که این نارنجستان مشتمل بر «عمارات متعدده تحتانیه و فوقانیه و زیرزمین با جمیع عمارات و فضا و حوض و شش باغچه مشجره به اشجار نارنج و چنار و غیره و دروب و بیت‌الخلوه و ممر و مدخل و جدران و حیطان» است (ساکما، ۱۲۶۸). به بیان دیگر، نارنجستان به مثابه یکی از حیاط‌های خانه بوده که به سبب وسعت باغچه‌ها و فراوانی درختان نارنج آن به این نام خوانده شده است. بنابراین مرز میان مقوله باغ و مقوله خانه در اسناد کاملاً صلب نیست و نارنجستان نمونه‌ای از هم‌پوشانی این دو مقوله است.

بحث: ساخت مفهومی باغ

بررسی نسبت‌های استخراج‌شده میان واژگان نشان می‌دهد که تلقی از باغ در اسناد قاجاری مجموعه‌ای از درختان و بناها نیست بلکه شبکه‌ای از روابط است که حول چهار

جدول ۱. انواع دوگانه‌های مؤثر در بازسازی مفهوم باغ در اسناد. مأخذ: نگارنده.

ردیف	دوگانه‌ها	وجه تمایز	نقش در بازسازی مفهوم باغ
۱	اراضی مشجر/ غیرمشجر	زمین کاشته‌شده/ کاشته‌نشده	تعیین محدوده درختان و فضای آماده کاشت
۲	خیابان/ راسمان	مسیر از پیش تعریف‌شده/ مسیر شکل‌گرفته طی زمان	تمایز مسیر رسمی و غیررسمی در باغ
۳	مجرى/ ممر	جریان عمومی و رسمی آب/ گذرگاه غیررسمی آب شکل‌گرفته طی زمان	تمایز جریان عمومی و اختصاصی آب
۴	حیطان/ جدران	مرز بیرونی/ جداره داخلی	تمایز مرز بیرونی و تقسیمات درونی باغ



تصویر ۲. ساخت مفهومی باغ در اسناد. مأخذ: نگارنده.

دیگر ساخت‌ها همچون خانه، کاروانسرا و مانند آن متمایز کند و همچنان خودسامان باقی بماند.

نتیجه‌گیری

در این پژوهش با تغییر نگاه از جنبه‌های معمارانه به سوی اقلام زبانی مقوله باغ، لایه‌ای دیگر از مفهوم باغ آشکار شد. مفهوم باغ در این نگرش زبان‌شناسانه، ساختی رابطه‌ای است که از خلال مناسبات چندگانه میان اقلام زبانی در اسناد روزمره دوره قاجار شکل گرفته است. این اقلام نباید تنها بخشی از اطلس زبانی باغ نزد سخنگویان آن دوره تلقی شود؛ بلکه می‌توان آن‌ها را بر ساخته ذهن مردم آن دوره نیز به شمار آورد که فارغ از مصداق عینی، توسط مردم عادی فهم می‌شده است. شاکله مفهومی باغ در این نگرش بر رابطه میان «زمین» و «درختان» استوار است. این رابطه از طریق شبکه مسیرها (خیابان و راسمان)، سامانه آب (مجری، ممر و مدخل) و عناصر تحدیدکننده فضا (جدران، حیطان، درب و درگاه) سازمان می‌یابد. از این‌رو، عناصر فرعی و جانبی مانند عمارت، چاه یا جدول در ساخت مفهومی باغ نقش تعیین‌کننده‌ای ندارند و حضور یا غیاب آن‌ها ساخت بنیادین باغ را دگرگون نمی‌کند. از سوی دیگر، غیبت توصیف‌های کمی و کیفی در اسناد نیز تأکیدی مضاعف بر ماهیت رابطه‌ای و ساخت‌گونه مفهوم باغ دارد؛ چراکه هویت باغ بیش از آنکه بر ویژگی‌های قابل اندازه‌گیری یا ارزش‌گذاری یا حتی قابل توصیف اجزای باغ استوار باشد، حاصل همین روابط میان آن‌ها است. چنین مفهومی، باغ را به نظامی منسجم و پیوسته بر پایه روابط هم‌نشینی میان اقلام یادشده بدل می‌کند. به نحوی که معنای هریک از این اقلام در نتیجه وجه افتراقی آن با دیگر اقلام نظام شکل می‌گیرد. به بیان دیگر، در چارچوب اسناد مورد مطالعه، حذف یا جایگزینی هر کدام از اقلام اصلی، ساخت مفهومی باغ را دگرگون می‌کند و آن را به مقوله‌ای متفاوت تبدیل می‌سازد. دگرگونی‌های واژگانی در دوره‌های تاریخی می‌تواند هم تلقی انسان از باغ ایرانی را تحت تأثیر قرار دهد و هم نمودی از تغییر ذهنیت مردم آن دوره بوده باشد؛ به عنوان نمونه، واژه‌گزینی‌های دوره پهلوی می‌تواند بر شیوه فهم مردم از باغ در آن دوران اثرگذار بوده باشد و چه‌بسا تداوم همان دگرگونی‌ها باعث گسست در برخی پندارهای تاریخی مرسوم از باغ شده باشد؛ موضوعی که نیازمند پژوهشی مستقل است. افزون بر این، پژوهش‌های آتی می‌توانند به مطالعه دیگر منابع تاریخی باغ ایرانی از منظر زبان‌شناسی بپردازند و ساخت(های) دیگری را آشکار کنند که در این صورت با مطالعه تاریخی آن‌ها می‌توان به دگرگونی‌های مفهومی باغ نیز پرداخت.

اعلام عدم تعارض منافع

نویسنده اعلام می‌کند در انجام این پژوهش هیچ‌گونه تعارض منافعی برای وی وجود نداشته است.

برشمرده شده است. این نسبت‌ها، باغ را نه موضوعی معمارانه، بلکه پدیده‌ای موضوع‌شناسانه^{۱۹} و درعین حال حقوقی تعریف می‌کنند که با مفهوم قانونی باغ عجین است. اینکه باغ با درخت پدید می‌آید، بدیهی است ولی زمین‌های بین و بدون آن نیز همچنان زمین باغ است. سه‌گانه «زیر و بین و بدون درخت» به معنی «تمام» بخش‌های زمین باغ است.

راه در پیوند با آب و گذر معنا می‌یابد. مؤلفه معنایی مشترک میان متعلقات این حوزه، فضایی برای عبور است. شواهد اسناد نشان می‌دهد که خیابان و راسمان دو نوع مسیر متمایز را بازنمایی می‌کنند؛ تمایزی مشابه میان مجری و ممر نیز دیده می‌شود. در هر دو مورد، تفاوت اصلی در میزان تعیین و تثبیت مسیرهاست. درب و مدخل، موضع ورودند به عرصه باغ؛ یکی برای افراد و دیگری برای آب. درب با درگاه معنا می‌یابد و درگاه با جدران یا حیطان. جدران لفظ عام^{۲۰} است برای اشاره به دیوار باغ؛ چراکه دو سوی آن فضا است. وجه افتراق حیطان نیز در همین دوسوییگی است؛ چراکه این لفظ اغلب به معنی دیوارهای محیطی است آن‌هم هنگامی که یک‌سوی آن توده است تا معرف حدود باشد. حیطان تنها در باهم‌آیی با جدران است که معنا می‌یابد نه به تنهایی؛ بنابراین حیطان بیشتر در رابطه با عمارت معنا دارد تا باغ. روابط جزوآوری و عضوآوری در اطلس زبانی باغ، مفهوم هر بخش از اجزای باغ را روشن‌تر می‌سازد و به این ترتیب، حوزه معنایی هر مجموعه از اجزای باغ را به مثابه لایه‌ای میانی و حفاصل ذهن و جهان خارج، شکل می‌بخشد که همگی با واژه باغ در یک ظرف قرار می‌گیرند.

در حالی که بخش عمده‌ای از مطالعات باغ ایرانی بر هندسه، محورهای دید، کوشک و سازمان فضایی تأکید کرده‌اند، اسناد این مطالعه، تصویری متفاوت عرضه می‌کنند. در تلقی زیباشناختی، درختان عناصری بصری برای تشدید یا تأکید بر شیوه دیدن و دیده‌شدن عناصر صناعی باغ هستند. این تلقی بر ادراک دیداری تکیه دارد و هرچند نافی ارزش‌های اجتماعی، فرهنگی، طبیعی، و اقتصادی باغ در نگرشی سامانه‌ای نیست ولی ارزش دیداری آن را بر می‌کشد و بر صدر می‌نشانند. در حالی که مفهوم کنونی از باغ به وضوح بر نسبت‌ها پایه‌گذاری شده است؛ نسبت‌هایی برابر و چندوجهی که ذهنی و شناختی هستند و در دایره ادراک دیداری-زیباشناختی جایی ندارند. در چنین نگرشی هیچ‌یک از اجزای باغ بر دیگر برتری ندارد و ارزش هر کدام تنها در نسبتی است که با دیگری دارد. از این‌رو، هویت باغ دیگر حاصل ویژگی‌های ذاتی اجزای آن نیست، بلکه ناشی از جایگاه هر جزء در شبکه روابط میان اجزا است؛ در ساخت باغ، کیفیت هر جزء اعتبار خود را از دست می‌دهد و این ساخت کلی باغ است که مقدم بر اجزا است. به همین سبب شرحی از جزئیات آن‌ها در اسناد به میان نمی‌آید. ساخت باغ در چنین حالتی به بنیادی‌ترین اجزای خود تقلیل می‌یابد تا بتواند خود را از

- | | |
|---|--------------------------------------|
| ۱۳. Superordinate | ۱. Lexical-category |
| ۱۴. Hyponym | ۲. Semantic field |
| ۱۵. عرصه در لغت آن بخش از زمین است که در آن بنائی نباشد؛ پهنه و ساحت و فراخنای، و نقطه مقابل اعیان است (Dehkhoda, 1998, Vol.10, 15805). | ۳. Historical-philological semantics |
| ۱۶. راس در متون آوانویسی شده پهلوی، راه و جاده را گویند چراکه در زبان، سین و ها به یکدیگر تبدیل می‌شود (ibid., Vol. 8, 11706). | ۴. Word |
| ۱۷. Collocation | ۵. Lexicon |
| ۱۸. Adjacency pairs | ۶. Syntactic axis |
| ۱۹. Topological | ۷. Associative axis |
| ۲۰. General term | ۸. Paradigmatic axis |
| | ۹. Differential |
| | ۱۰. Synchronic |
| | ۱۱. Hyponymy |
| | ۱۲. Meronymy |

فهرست منابع

- پیرنیا، محمدکریم. (۱۳۸۶). *آشنایی با معماری اسلامی ایرانی* (تألیف غلامحسین معماریان، نسخه ویرایش شده). سروش دانش.
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران. (۱۳۹۷). *مبایعه‌نامه باغ واقع در قصرالدشت حومه شیراز*. (شناسه سند: ۲۳۲/۳۱۰۴).
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران. (۱۳۲۸). *مبایعه‌نامه فروش قسمتی از یک باغ در شیراز*. (شناسه سند: ۹۹۹/۳۴۸۰۴).
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران. (۱۳۵۰). *مبایعه‌نامه باغی واقع در شیراز*. (شناسه سند: ۹۹۹/۴۶۴۲۵).
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران. (۱۳۶۰). *مبایعه‌نامه باغی واقع در قصرالدشت شیراز*. (شناسه سند: ۹۹۹/۴۶۴۲۴).
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران. (۱۳۶۴). *مبایعه‌نامه و صلح‌نامه‌ای در مورد فروش بستان‌هایی واقع در قصرالدشت شیراز*. (شناسه سند: ۲۹۶/۲۲۸۴۴).
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران. (۱۳۶۵). *مبایعه‌نامه باغ و عمارتی واقع در قصرالدشت شیراز*. (شناسه سند: ۹۹۹/۴۱۱۵۵).
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران. (۱۳۶۸). *مبایعه نارنجستان واقع در محله لب‌آب شیراز*. (شناسه سند: ۹۹۹/۴۱۱۶۳).
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران. (۱۳۸۱). *مبایعه‌نامه سه دانگ بستان سرکوهی واقع در قصرالدشت حومه شیراز*. (شناسه سند: ۹۹۹/۳۴۶۴۷).
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران. (۱۳۸۲). *مبایعه‌نامه فروش قسمتی از یک باغ در حومه شیراز*. (شناسه سند: ۹۹۷/۱۰۳).
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران. (۱۳۸۴). *مبایعه‌نامه بخشی از یک قطعه باغ واقع در شیراز*. (شناسه سند: ۹۹۹/۴۱۰۷۷).
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران. (۱۳۹۱). *مبایعه‌نامه شرطیه باغی در شیراز شیراز*. (شناسه سند: ۹۹۹/۴۵۶۷۳).
- گندمکار، راحله. (۱۳۹۹). *فرهنگ توصیفی معنی‌شناسی*. نشر علمی.
- گندمکار، راحله. (۱۴۰۱). *آشنایی با معناشناسی ساختگرا*. نشر علمی.
- Jayhani, H. (2016). Khawaja Garden, narrated by "Nezami Ganjavi": Representation of Persian garden pattern based on the interpretation of a story in Masnavi of Haft-Paykar. *MANZAR, the Scientific Journal of landscape*, 7(33), 90-95. https://www.manzar-sj.com/article_15322.html
- Akhlaghi Sharif, M. J., & Jayhani, H. (2025). A comparative study of Timurid Chaharbaghs' features in Persian texts of the 9th and 10th centuries AH with Abu Nasri Heravi's model. *MANZAR, the Scientific Journal of Landscape*, 17(72), 6-15. <https://doi.org/10.22034/manzar.2025.527011.2356>
- Alehashemi, A. (2012). Qazvin Boulevard: A garden inside Qazvin. *Bagh-e Nazar*, 9(22), 65-74. https://www.bagh-sj.com/article_1888_en.html?lang=en
- Alemi, M. (2013). Giardino persiano: Tipologie e forme. In A. Petruccioli (Ed.), *Il giardino islamico: architecture, nature* (pp. 49-75) (M. Rasekhi Trans.). Rouzaneh Publishing. (Original work published 1994).
- Anvari, H. (2002). *Sokhan comprehensive dictionary: Persian to Persian* [Farhang-e Bozorg-e Sokhan] (Vol. 2, 3, 4, 8). Sokhan Publication.
- Bailey, G. (1997). The sweet-smelling notebook: An unpublished

Mughal source on garden design. In A. Petruccioli (Ed.), *Gardens in the time of great Muslim empires: theory and design* (pp. 129-139). Brill.

- Barati, N. (2005). Gardens and construction of the gardens in the Iranian culture and Persian language. *Bagh-e Nazar*, 1(2), 3-15. https://www.bagh-sj.com/article_1386.html?lang=en
- de Saussure, F. (2024). *Course in general linguistics* (K. Safavi Trans.). Hermes Publishing. (Original work published 1983).
- Dehkhoda, A. (1998). *Dehkhoda Dictionary*. University of Tehran Press.
- Farzin, A. A. (2014). Persian garden on the basis of Ferdowsi's Shahnameh. *MANZAR, the Scientific Journal of Landscape*, 6(27), 8-13. https://www.manzar-sj.com/article_6311.html?lang=en
- Haravi, Q. (1977). *Ershād al-Zerā'a* (M. Mushiri, Ed.). University of Tehran press.
- Harland, R. (2016). *Super structuralism: the philosophy of structuralism and post structuralism* (F. Sojoudi Trans.). (Original work published 1987).
- Jamal.al.din, G. (2018). The principles of garden design in the Qajar period (based on Mefātih-āl-Rāzaq). *MANZAR, the Scientific Journal of landscape*, 10(44), 6-17. <https://doi: 10.22034/manzar.2018.76859>
- Jamaledin, G. (2015). Gardening in "Ershād al-Zerā'a". *MANZAR, the Scientific Journal of landscape*, 7(32), 6-13. https://www.manzar-sj.com/article_15006.html?lang=en
- Jayhani, H. & Rezaepour, M. (2017). *Landscape design in Persian Garden: evolution, urban role, principles*. Research center for culture, art and communication, and Kashan University.
- Matthews, P. H. (2023). *A short history of structural linguistics* (R. Gandomkar Trans.). Mirdashti Books. (Original work published 2001).

- Safavi, K. (2021). *Descriptive dictionary of semantics*. Farhang Moaser.
- Shahcheraghi, A. (2012). *Paradigms of Paradise: Recognition & recreation of the Persian garden*. Jahad-e Daneshgahi Tehran.
- Subtelny, M. E. (2002). Le jardin Persian: Pragmatism et imaginaire. In *Le monde est un jardin: Aspects de l'histoire culturelle de l'Iran medieval* (pp. 58-65). Association pour l'avancement des études iraniennesiraniennes.
- Women's Worlds in Qājār Iran archive. (1907). *Power of attorney to get back a stable and an orchard*. <http://www.qajarwomen.org/en/items/16179A56.html>
- Women's Worlds in Qājār Iran archive. (1916). *A lawyer's*. <http://www.qajarwomen.org/en/items/16179A271.html>
- Women's Worlds in Qājār Iran archive. (1921). *Petition regarding a garden*. <http://www.qajarwomen.org/en/items/16179A235.html>
- Women's Worlds in Qājār Iran archive. (1924). *Settlement of Raziya Sultan Khanum and Muhammad Khalil the merchant from Shiraz*. <http://www.qajarwomen.org/en/items/14130A7.html>
- Women's Worlds in Qājār Iran archive. (1925). *Power of attorney to execute a will*. <http://www.qajarwomen.org/en/items/16179A171.html>
- Women's Worlds in Qājār Iran archive. (1930). *Settlement of a garden*. <http://www.qajarwomen.org/en/items/14130A11.html>
- Women's Worlds in Qājār Iran. (1914). *Sale document of Haji 'Abd al-Husayn and Haji Muhammad Ibrahim*. <http://www.qajarwomen.org/en/items/14130A46.html>
- Yarahmadi, S., Ansari, M., & Mahdavejad, M. (2018). Re-commentary of Sa'adat Abad Garden of Qazvin: A comparative analysis of Abdi Beig Shirazi's poems and historical documents. *Bagh-e Nazar*, 15(58), 27-50. https://www.bagh-sj.com/article_59574_en.html?lang=en

COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the authors with publication rights granted to Manzar journal. This is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



نحوه ارجاع به این مقاله

اسدپور، علی. (۱۴۰۵). مفهوم باغ در اسناد شیراز دوره قاجار: تحلیلی واژگانی. منظر، ۱۸ (۷۶)، ۶-۱۵.

DOI: [10.22034/manzar.2026.581517.2424](https://doi.org/10.22034/manzar.2026.581517.2424)

URL: https://www.manzar-sj.com/article_247653.html

